

انواع خسارت‌های نقض تعهدات قراردادی و شرایط مطالبه آن‌ها در نظام حقوقی آلمان با مروری بر رویکرد حقوق ایران

مینا حسینی^۱

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۴/۲۳

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۴/۶

چکیده

ضمانت اجرای نقض تعهدات قراردادی یکی از مهم‌ترین بخش‌های حقوق قراردادها در هر نظام حقوقی است. در حقوق قراردادهای آلمان، تعهد بر اجرای عین تعهد از اولین تعهدات متعهد است. اگر متعهد نتواند چنین تعهدی را انجام دهد، متعهدله حق مطالبه خسارت را دارد. مطالعه شرایط حاکم بر مطالبه خسارت‌های قراردادی نشان می‌دهد که مفهوم تقصیر قراردادی در اصلاحات جدید قانون مدنی آلمان همچنان مهم است. رابطه سببیت و قابلیت پیش‌بینی زیان از دیگر قواعدی است که بر مطالبه این نوع از خسارت‌ها در حقوق آلمان حاکم است. خسارت‌های قراردادی در نظام حقوقی آلمان برحسب ماهیت به خسارت تلف مال، خسارت معنوی، از دست‌دادن فرصت، صدمات جسمانی، خسارت‌های غیرمستقیم، انتظاری و اتکایی و برحسب سبب به خسارت به‌جای اجرا، خسارت تأخیر در اجرا و خسارت‌های ساده تقسیم‌بندی می‌شوند که امکان مطالبه هر کدام از آن‌ها در این مقاله بررسی شده است. در این پژوهش، شرایط و انواع خسارت‌های قراردادی از دیدگاه رویه قضایی آلمان نیز مورد توجه قرار گرفته است. از آنجا که با استفاده از تجارب تقنینی و قضایی نظام حقوقی آلمان می‌توان خلأهای حقوق تعهدات در ایران را شناسایی کرد، در قسمت‌های مختلف مقاله، مقایسه این دو نظام حقوقی نیز با روشی تحلیلی - توصیفی مدنظر بوده است.

واژگان کلیدی: خسارت قراردادی، نقض قرارداد، حقوق آلمان، حقوق ایران

۱. استادیار گروه حقوق، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه علم و فرهنگ، تهران (نویسنده مسئول): mina.hosseini@usc.ac.ir

مقدمه

مطالبه خسارت برای نقض تعهدات قراردادی در کامن‌لا و نظام‌های رومی - ژرمنی ریشه‌ای مشترک دارد: قاعده‌ای در حقوق رم به نام «هر کس مسئول خسارت صورت‌گرفته از عملش است»^۱ منشأ و مبنای مطالبه خسارت در این نظام‌های حقوقی است (Jansen, 2016, p.234; Gotanda, 2006, p.3)

در سال ۲۰۰۰، هنگامی که قانون‌گذار آلمانی برای اجرای دستورالعمل‌های اتحادیه اروپا در خصوص حقوق مصرف‌کنندگان تحت فشار قرار داشت، تصمیم گرفت به جای این‌که مانند برخی کشورهای اروپایی فقط مفاد دستورالعمل‌ها را وارد نظام حقوقی خود کند، تغییرات بنیادینی در حقوق مدنی و به‌ویژه حقوق قراردادهای صورت دهد. در واقع حقوق مصرف‌کننده واسطه شد تا نظام پیچیده و قدیمی حقوق تعهدات آلمان را به‌روز سازد (Berger, 2001, p.896). این تحول به این علت صورت گرفت که رویکرد حمایت از مصرف‌کننده بر مبنای ضعیف بودن مصرف‌کننده در رابطه قراردادی بنا شده است و این‌که تا جای ممکن باید با دور شدن از قواعدی همچون تقصیر راه را برای تسهیل اثبات نقض تعهدات تولیدکنندگان باز کرد.

حقوق قراردادهای آلمان از اصل لزوم قراردادهای^۲ آغاز می‌شود (Ridder & Weller, 2014, p.371). در حقوق آلمان متعهد، پس از انعقاد قرارداد، ملزم به تسلیم و اجرای ایفای تعهد است. در واقع تعهد برای متعهدله نوعی «حق مالکیت بر اجرا» به‌وجود می‌آورد (Mak, 2009, p.48). اصل لزوم قراردادهای در حقوق ایران به استناد ماده ۲۱۹ قانون مدنی پذیرفته شده است. سرپیچی از اجرای تعهدات قراردادی به‌وجودآورنده مسئولیت مدنی قراردادی موضوع مواد ۲۲۰ و ۲۲۱ قانون مدنی ایران است (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۸، ص ۱۴۲).

طرفین قرارداد توانایی این را دارند که برای تأمین منافعشان آزادانه قرارداد ببندند و شروط خاصی را در روابط قراردادی‌شان بگنجانند. زمانی که رابطه قراردادی شکل گرفت و حقوق و تعهدات طرفین مشخص شد، اگر قرارداد نقض شود، متعهدله زیان‌دیده در حقوق آلمان حق دارد متعهد را مجبور به اجرای قرارداد کند یا سایر راه‌های جبرانی را

1. casum sentit dominus
2. pacta sunt servanda

جایگزین نماید (Bejesky, 2002, p.360). حقوق ایران نیز راه حل مشابهی را اتخاذ کرده است و صرف مواجه شدن متعهدله با خودداری طرف قرارداد از انجام تعهد مجوزی برای فسخ قرارداد نیست (شهیدی، ۱۳۸۶، ص ۴۳؛ کاتوزیان، ۱۳۸۷، ص ۱۱۳).

این پژوهش برای یافتن پاسخ این سؤال صورت گرفته است که جبران خسارت نقض تعهدات قراردادی در حقوق آلمان از چه سازوکاری تبعیت می‌کند و چه تفاوتی در این زمینه با حقوق ایران دارد. وضعیت حقوق آلمان، به‌ویژه پس از اصلاحات جدید قانون مدنی در این کشور، برای حقوقدانان ایرانی ناشناخته است و وارد شدن به قلمرو حقوق تطبیقی همانند آینه‌ای در جهت اصلاح و تقویت حقوق داخلی به کار می‌آید.

در این مقاله، پس از بررسی مفهوم نقض تعهدات قراردادی، شرایط حاکم بر مطالبه خسارات قراردادی، انواع خسارت‌های قابل مطالبه برحسب ماهیت و انواع خسارت‌های قابل مطالبه برحسب سبب در نظام حقوقی آلمان در کنار مرور دیدگاه‌های قانون‌گذار ایرانی مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۱. مفهوم نقض تعهدات قراردادی

نقض قرارداد یا نقض تعهد^۱ در حقوق آلمان به معنای این است که متعهد آنچه به‌موجب قرارداد متعهد به انجامش بوده انجام ندهد (ماده ۲۴۱ قانون مدنی آلمان^۲) یا نقض تکلیفی انجام دهد (بند ۲ ماده ۲۴۲ قانون مدنی آلمان) (Zekoll & Wagner, 2018, pp.300-302). بنابراین متعهدله غیرمتخلف می‌تواند به یکی از سه راه جبرانی (ایفای عین تعهد، فسخ و خسارت) متوسل شود.

در اینجا اهمیت دارد که نقض را از مسئولیت برای نقض منفک کنیم. زمانی که نقضی رخ می‌دهد، متعهد ممکن است مسئول آن شناخته نشود (Markesinis et al., 2006, pp. 387-390). در واقع «نقض تکلیف» مفهومی فراتر از روابط قراردادی است و «هرگونه عهدشکنی» را دربر دارد (بادینی و فروزان بروجنی، ۱۳۹۷، ص ۴۳).

1. Pflichtverletzung
2. The Bürgerliches Gesetzbuch (BGB)

برخی نویسندگان به جای نقض قرارداد یا نقض تعهد از واژه «عدم اجرای تعهد» استفاده می‌کنند.^۱ برخی دیگر نیز به جای آن عبارت «بی‌ترتیبی در اجرا»^۲ را به کار می‌برند که همه انواع نقض تعهد مانند عدم مطابقت اجرا یا اجرای بخشی از تعهد را نیز شامل می‌شود (Markesinis et al., 2006, p.379). در حقوق ایران، نقض قرارداد با عدم انجام تعهدات قراردادی، تأخیر در ایفای تعهدات، اجرای قسمتی از تعهدات یا عدم اجرای تعهدات مطابق با قصد طرفین معنا شده است (شهیدی، ۱۳۸۶، ص ۵۰؛ جعفری لنگرودی، ۱۳۷۸، ص ۲۸۸). تفاوت رویکرد قانون در ایران و آلمان در این است که در حقوق آلمان در صورت عدم امکان انجام تعهدات نیز نقض تعهد رخ داده است. در واقع، با تحولات صورت گرفته در قانون جدید آلمان و تعریف مفهوم «نقض تکلیف»، مفهوم نقض عدم امکان را نیز دربر می‌گیرد (Aksoy, 2016, p.9). در حقوق ایران، نظر غالب بر این است که عدم اجرای قرارداد، به علت قوه فاعله، نقض قرارداد تلقی نمی‌شود (طهماسبی، ۱۳۹۷، ص ۳۳؛ نقی‌زاده باقی، ۱۳۹۰، ص ۳۵) اگر چه برخی معتقدند با وجود قوه فاعله قرارداد به قوت خود باقی است و متعهد ناقض قرارداد است، اما به علت شرایط معاف از پرداخت خسارت می‌شود (نیکبخت، ۱۳۷۵، ص ۱۰۶).

در قانون مدنی قدیم آلمان، سه نوع نقض قرارداد به رسمیت شمرده شده بود: اجرای با تأخیر، عدم امکان اجرا (که پس از انعقاد قرارداد رخ دهد) و نقض مثبت تعهدات قراردادی^۳ که همه اجرا را دربر می‌گیرد، اما منطبق با شروط قراردادی نیست (Pieck, 1996, p.116). این سیستم پیچیدگی‌های خاصی داشت و برای سال‌ها دکتربین حقوقی

۱. کاربرد اصطلاح عدم اجرا به جای نقض تعهد در حقوق آلمان از یک نظر جای بحث دارد. زیرا در حقوق این کشور مواردی وجود دارد که متعهد تعهد اصلی را انجام داده، اما به علت این که سایر حقوق و منافع متعهدله (یا تعهدات فرعی) را نقض کرده مرتکب نقض قرارداد شده است.

2. Irregularities in performance

۳. نقض مثبت تعهدات قراردادی زمانی رخ می‌دهد که متعهد تعهد خود را اجرا می‌کند، اما اجرا ناقص یا خلاف شروط قراردادی است. دو گونه نقض مثبت وجود دارد: اولین دسته حالتی است که اجرای متعهد ناکامل یا معیوب است (نقض تعهد مثبت)؛ دومین دسته حالتی است که متعهد چیزی را انجام داده که قرارداد او را از انجامش منع کرده است (نقض تعهد منفی). بسیاری معتقدند که این دکتربین مربوط به قانون مدنی سابق بوده و از این رو، در کتاب‌های حقوق قراردادها چاپ سال ۲۰۰۲ به بعد، کمتر بدان پرداخته شده و حتی بعضی نویسندگان از حذف کامل این دکتربین در نظام حقوقی آلمان خبر داده‌اند.

آلمانی، به تفسیر انواع نقض در تعهدات قراردادی می‌پرداختند. انواع نقض تعهد در قانون مدنی جدید آلمان تغییر کرده و دیگر به شکل سابق نیست.

۲. شرایط حاکم بر مطالبه خسارت قراردادی

برای مطالعه نظام جبران خسارت در تعهدات قراردادی، ابتدا باید بدانیم چه شرایطی بر مطالبه این دسته از خسارات حاکم است. تقصیر، رابطه سببیت و قابلیت پیش‌بینی زیان، به‌منزله مهم‌ترین این شرایط در این قسمت بررسی می‌شود.

۲-۱. تقصیر

نظام‌های حقوقی رومی - ژرمنی از دیرباز تقصیر را عنصر اصلی حقوق تعهداتشان می‌دانستند و، برخلاف نظام‌های کامن‌لا، مباحث بسیاری پیرامون تقصیر در حقوق این کشورها وجود دارد (Samuel, 1999, pp.393-395). تقصیر سنتی را «عملی نامشروع یا قابل سرزنش» تعریف می‌کردند که قابل انتساب به عامل آن است (صفایی و رحیمی، ۱۳۹۷، ص ۱۴۶). البته پس از تحولات صورت‌گرفته در مفاهیم مسئولیت مدنی در قرن بیستم، تقصیر مفهومی نوعی یافته است و اکنون «تجاوز از رفتار متعارف» ملاک تقصیر است. شایان ذکر است که مفهوم تقصیر در مسئولیت مدنی قراردادی و الزامات خارج از قرارداد متفاوت است.

به اعتقاد برخی، در نظام حقوقی ایران، عدم اجرای تعهدات ناشی از قرارداد تقصیر تلقی می‌شود و طرف قرارداد برای مطالبه خسارت نیاز به اثبات تقصیر متعهد ندارد. البته بین نویسندگان در این خصوص اتفاق‌نظری وجود ندارد. دو نظر شایان توجه از طرف حقوقدانان ایرانی در اینجا مطرح شده است: نظر اول این است که اجرانشدن قرارداد و تخلف از اجرای تعهدات تقصیر تلقی می‌شود (کاتوزیان، ۱۳۸۷، ص ۱۵۶)؛ نظر دوم مبتنی بر این است که اجرانشدن قرارداد اماره بر تقصیر است؛ بر مبنای این نظر، عمد و آگاهی کامل نسبت به فعل تخلف و خودداری از انجام تعهد یا بی‌احتیاطی و اهمال از مصادیق تقصیر است (شهیدی، ۱۳۸۶، ص ۶۷؛ کاتوزیان، ۱۳۸۷، ص ۱۵۸). درواقع «اثبات خطا بر متعهدله نیست، بلکه قانون‌گذار فرض خطا برای متعهد کرده است» و ماده

۲۲۷ قانون مدنی نیز به پیروی از قانون مدنی فرانسه صریحاً این معنا را آورده است. (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۸، ص ۲۹۰).

اما قانون مدنی جدید آلمان، که پس از اصلاحات و با دیدگاه ناظر بر حمایت از حقوق مصرف‌کنندگان تصویب شده است، تقصیر را در روابط قراردادی فقط به مطالبه خسارات محدود کرده و با این کار گام دیگری به سوی مسئولیت محض برداشته است. گفتنی است، غیر از قانون مدنی، در حقوق آلمان قوانین بسیاری مسئولیت محض را به‌عنوان مبنا پذیرفته‌اند و در موارد خاصی حتی اثبات رابطه سببیت بین ضرر وارده و فعل مرتکب را نیز حذف کرده‌اند.^۱

قسمت «الف» بند ۲ ماده ۲۸۰ قانون مدنی آلمان مقرر می‌دارد «چنانچه متعهد به تعهدات خود عمل نکند، متعهدله می‌تواند خسارت ناشی از این نقض تعهد را مطالبه کند. در صورتی که متعهد مسئول عدم ایفای تعهد نباشد، نمی‌توان از او خسارت مطالبه کرد».^۲ اصل تقصیر یکی از اصول زیربنایی حقوق آلمان و نقطه اصلی آن متبلور در ماده ۲۷۶ قانون مدنی این کشور است. مطابق این ماده، «متعهد، ضامن فعل و ترک فعل عمدی خود است مگر این که شرط وجود مسئولیت شدیدتر یا خفیف‌تر مقرر شده باشد یا از موضوع تعهد، وجود تضمین یا توجه ضمان استنباط شود».

به‌طور خلاصه، در صورت فقدان هرگونه حالت استثنایی، نظام حاکم بر جبران خسارت در حقوق آلمان مبتنی بر تقصیر است. درخصوص واژه مسئولیت شدیدتر در این ماده باید گفت که گاه به علت نوع خاص تجارت یا تخصص مورد نظر ناظر بر انجام تعهد مربوطه، متعهد باید استاندارد بالاتری را در انجام تعهدش مبذول دارد یا این که ممکن است متعهد به‌طور ضمنی تضمین کرده باشد که همه توانایی‌های موردنظر اجرا را دارد. برای مثال، پیمانکاری تعهد می‌کند که خانه‌ای را ظرف شش ماه بسازد. از تعهد او این‌گونه برداشت می‌شود که او قادر به ساخت خانه در شش ماه است. این متعهد

۱. در اصلاحات صورت‌گرفته در سال ۲۰۰۰ در قانون دارویی آلمان (۱۹۷۶)، قانون‌گذار نوعی مسئولیت محض را پذیرفته که در آن نه‌تنها رابطه سببیت حذف شده، بلکه کافی است مصرف‌کننده ثابت کند که دارو می‌توانسته به او آسیب برساند (حتی اگر درواقع آسیبی نرسانده باشد).

۲. در بند ۴ ماده ۲۸۶ و بند ۲ ماده ۳۱۱-الف قانون مدنی آلمان نیز به تقصیر اشاره شده است.

نمی‌تواند با دفاع عدم توانایی ساخت خانه ظرف این مدت، به علت عدم امکان اجرای این تعهد، از مسئولیتی که برعهده گرفته شانه خالی کند.

نمونه شایان توجه در این زمینه پرونده شماره 812-2002 BGH NJW است:

دندان پزشکی، برای تأمین تجهیزات نرم‌افزاری برای کارهای پزشکی مطبش، با فرد متخصصی قراردادی منعقد کرد. هارد دیسکی که شامل اطلاعات لازم برای اهداف حسابداری مطب بود یک‌بار از کار افتاد. متخصص کامپیوتر نمی‌توانست اطلاعات را از دیسک مطابق خواسته متعهدله برگرداند و این امر را غیرممکن می‌دانست (درحالی‌که غیرممکن نبود)؛ در نتیجه اطلاعات لازم به صورت دستی وارد کامپیوتر دیگری شد و هزینه انجام چنین کاری به منزله خسارت مطالبه گردید. در اثبات این که آیا متعهد مقصر بوده یا نه، دادگاه حکم داد که چون در تخصص متعهد بازیافت اطلاعات بسیار مرسوم است، او باید همه راه‌های بازیافت اطلاعات مورد نیاز متعهدله را امتحان می‌کرد. این که متعهد شخصاً نمی‌توانسته کار را انجام دهد یا نمی‌دانسته که چنین امکانی وجود دارد، دفاع مرتبطی محسوب نمی‌شود. با توجه به پرونده فوق می‌توان گفت که در حقوق آلمان، در بحث مطالبه خسارت، تقصیر لازم است اما این تقصیر به نوعی مفروض است^۱ و متعهد وظیفه دارد خود را از بار تقصیری که بر او تحمیل شده برهاند (Fauvarque-Cosson, & Mazeaud, 2009, pp.218-219).

دومین نکته شایان ذکر در خصوص تعهدات پولی است. اگر تعهد شامل پرداخت مبلغی پول باشد، متعهد نمی‌تواند مشکلات مالی را بهانه کند. این امر به صراحت در قانون مدنی آلمان نیامده، اما از ماهیت تعهد در حقوق این کشور قابل برداشت است.^۲ یکی دیگر از موارد مسئولیت مشدده هنگامی است که طرفین، به وسیله شرط قراردادی، حد متعارف احتیاط را به مسئولیت محض تبدیل می‌کنند. این موضوع در بند ۱ ماده ۲۷۶ قانون مدنی آلمان آمده است، زمانی که قانونگذار از شرط تضمین مندرج در قرارداد سخن می‌گوید.^۳ اگر مانع اجرا در زمانی به وجود آید که متعهد مقصر بوده، در

۱. از بند ۱ ماده ۲۸۰، ماده ۴۳۷ و ۶۳۴ قانون مدنی آلمان نیز می‌توان مفروض بودن تقصیر را دریافت.

۲. در واقع نوعی رژیم مسئولیت محض بر تعهدات پولی در حقوق آلمان حاکم است. همچنین در خصوص تعهد به تسلیم عین کلی نیز این رژیم پذیرفته شده است.

3. BGH NJW 1968,2238, Case no. 116

این خصوص او مسئول چنین مانعی نیز هست، حتی اگر تصادفی بوده باشد (Markesinis et al., 2006, pp 433-451).

در این خصوص، ماده ۲۸۷ قانون مدنی آلمان چنین مقرر می‌دارد: «طی دوره تخلف، متعهد ضامن بی‌مبالاتی خود است، حتی در صورت بروز حوادث، او ضامن و مکلف به ایفای تعهد است، مگر این‌که خسارت حتی در صورت ایفای تعهد نیز حادث می‌شده است.» چنین مسئولیت مشدده‌ای را در حقوق ایران می‌توان در بحث عقود امانی و تبدیل ید امانی به ضمانی مشاهده کرد. البته این موضوع در فقه اختلافی است، اما نظر مشهور این است که با وقوع تقصیر امین، او ضامن است و چنین ضمانی حتی پس از زوال تقصیر نیز باقی می‌ماند و برای اثبات این مدعا، به اصل استصحاب و بقای حالت ضمانی ید استناد کرده‌اند (دهقانی و همکاران، ۱۳۹۳، ص ۵۵)

مثال‌هایی که در این قسمت بیان شد بیشتر مربوط به مواردی بود که ملاک معیار مراقبت افزایش یافته بود (مشابه آنچه از مسئولیت‌های مبتنی بر تضمین انتظار می‌رود)؛ اما بند ۱ ماده ۲۷۶ قانون مدنی آلمان موردی را بیان می‌کند که مسئولیت مخففه نسبت به متعهد اجرا می‌شود. در سه حالت، این موقعیت مصداق پیدا می‌کند: نخست، هنگامی که طرفین شرط معافیته را در قرارداد درج کرده‌اند تا معیار متعارف احتیاط (مراقبت) را پایین بیاورند.^۱ دوم، مقرراتی که در قانون مدنی آلمان ذکر شده و در خصوص انواع خاصی از قراردادهای معیار متعارف احتیاط را کاهش داده است؛ برای نمونه، در قراردادهای غیرمعوض، متعهد در خصوص قصور سبک مسئول شناخته نمی‌شود.^۲ سوم، ملاک احتیاط متعارف در نتیجه رفتار متعهدله نیز می‌تواند کاهش یابد (مثلاً تأخیر در قبول تعهد). در این حالت، متعهد برای قصور سبک مقصر نیست.^۳

دو رویکرد در آثار نویسندگان ایرانی در خصوص تقصیر مشاهده می‌شود: رویکرد اول بر این مبناست که در مسئولیت قراردادی نیز، همانند الزامات خارج از قرارداد، تقصیر یکی از عناصر تحقق مسئولیت است و عدم اجرای قرارداد، در صورتی که متعهد مانند

۱. هرگونه مسئولیتی برای نقض عمدی از این حیطه خارج است و در قراردادهای با مصرف‌کنندگان نیز این شرط به سختی پذیرفتنی است و پذیرفتن آن منوط به شرایط خاصی است.

۲. مواد ۵۲۱ و ۵۹۹ قانون مدنی آلمان، همچنین قراردادهای والدین با فرزندانشان، از این قاعده پیروی می‌کند.

۳. بند ۱ ماده ۳۰۰ مقرر چنین می‌دارد: «در زمان تقصیر متعهدله، متعهد تنها مسئول عمد و غفلت شدید خود است.»

انسان متعارفی رفتار کرده باشد، نمی‌تواند تقصیر او را اثبات کند. رویکرد دوم بر این باور است که فقط در موارد خاصی، مانند بند ۲ ماده ۱۱۳ قانون دریایی، متعهد برای اثبات این‌که تقصیری کرده باید اثبات کند که مانند انسان متعارفی رفتار کرده است. در نتیجه، به استناد مواد ۲۲۷ و ۲۲۹ قانون مدنی ایران، فقط در صورتی که متعهد ثابت کند مطابق مواد ۲۲۷ و ۲۲۹ عدم اجرای قرارداد مستند به حادثه غیرقابل پیش‌بینی و غیرقابل اجتنابی بوده، تقصیر از او برداشته می‌شود (کاتوزیان، ۱۳۸۷، ص ۷۴) استدلال این گروه را اکثریت نویسندگان قوی‌تر می‌دانند (نصیری، ۱۳۸۷، ص ۷)

۲-۲ وجود رابطه سببیت

یکی از شرایط مسئولیت متعهد وجود رابطه سببیت بین نقض قرارداد و خسارت وارده به متعهدله است. هرچند در قانون مدنی آلمان، درخصوص تعهدات قراردادی، تقصیر متعهد برای جبران خسارت شرط است، اما با توجه به این‌که این تقصیر مفروض است، برخی در اثبات رابطه سببیت توسط متعهد تردید دارند؛ اما باید گفت حتی هنگامی که قانون اماره تقصیر متعهد را مقرر داشته است، فرض وجود تقصیر را نمی‌توان دلیل مفروض بودن وجود رابطه سببیت برای خسارت وارده بر متعهدله دانست.

دو نکته در حقوق آلمان درخصوص رابطه سببیت شایان ذکر است: اول این‌که قاعده اساسی بر محدودیت جبران خسارت در حقوق آلمان رابطه سببیت است. دوم این‌که جایی که نقض قرارداد سبب یا شرط خسارت شناخته می‌شود، لازم است ثابت شود نقض سبب قانونی است. دادگاه‌های آلمان بیشتر به نظریه «سبب کافی»^۱ متمایل‌اند.^۲ در آثار نویسندگان ایرانی نیز این نظریه مورد بررسی قرار گرفته است. بر طبق این نظریه، اگر تقصیر شخص احتمال نوعی ورود خسارت را که در واقع اتفاق افتاده به‌طور خاص بالا برده است، مسئول ورود خسارت است. در نتیجه، باید بین سبب ورود ضرر و شرایطی که زمینه را برای تأثیر سبب فراهم آورده است تفاوت قائل شد و نباید تمامی

1. Adequate cause

۲. دکتر کاتوزیان این نظریه را با عنوان سبب متعارف و اصلی معرفی نموده‌اند. در این مقاله، سبب کافی و سبب متعارف و اصلی به یک معنا به‌کار رفته است.

حوادث و شرایطی را که در به‌وجود آمدن ضرر دخیل بوده‌اند در زمره اسباب آورد (کاتوزیان، ۱۳۸۹، ص ۴۶۶).

اعمال قاعده سبب کافی هم نوعی و هم شخصی است و پرداخت خسارت را نه تنها محدود نمی‌کند که بیشتر می‌نماید. این معیار، معیار انسان متعارف در موقعیت طرف خطاکار ناقض قرارداد است، مبنی بر این که آیا با دانشی که هر انسان متعارفی در چنین موقعیتی دارد چنین فردی مقصر است یا نه.

تأثیرات چنین دیدگاهی در پرونده شماره BGHZ 3,261-1951 مشخص است. اگرچه این پرونده مربوط به رابطه غیرقراردادی است، اما نکات مهمی را درخصوص خسارات قراردادی روشن می‌کند:

نخست: در این پرونده دادگاه در حکم خود اذعان داشت که نظریه سبب کافی (سبب متعارف و اصلی) مقرر می‌دارد که منصفانه است کسی که شرایط کافی را فراهم کرده برای تبعات ناشی از آن مسئول شناخته شود.

دوم: شرط هنگامی کافی است که امکان نوعی نتیجه‌ای را که رخ داده است فراهم آورده باشد.

می‌توان تمام شرایطی را که قابل شناسایی از سوی یک ناظر خوب¹ و به‌وجودآورنده شرایط است مد نظر قرارداد و سپس شرط اصلی را از آن‌ها باز شناخت.

نتیجه‌گیری محاکم درخصوص دانش ناظر با تجربه تمامی تجارب بشری را در زمان صدور حکم شامل می‌شود (Markesinis et al., 2006, pp. 470-471).

در حقوق ایران نیز وجود رابطه سببیت برای این که متخلف از انجام تعهدات قراردادی را مسئول بدانیم ضرورت دارد؛ همچنین از ماده ۵۲۰ قانون آیین دادرسی مدنی که ناشی بودن خسارت از عدم انجام تعهد یا تأخیر در انجام تعهد را برای قابل مطالبه بودن آن ضروری می‌داند، لزوم وجود رابطه سببیت تخلف از انجام تعهد قابل برداشت است؛ درواقع، برخلاف تقصیر متعهد که معمولاً مفروض است، رابطه سببیت نیاز به اثبات متعهدله دارد.

1. Optimal Observer

۲-۳. قابلیت پیش‌بینی زیان

زیان‌های مستقیم ناشی از نقض تعهد قراردادی ممکن است طبیعی و عادی یا استثنایی و نامتعارف باشد. در بسیاری از نظام‌های حقوقی این قاعده که ناقض تعهد تنها مسئول خساراتی است که برای او قابل پیش‌بینی بوده یا حداقل از نظر عرف می‌بایست آنها را پیش‌بینی می‌کرده پذیرفته شده است.

در کامن‌لا این قاعده به‌صراحت ذکر شده و تردیدی در وجود آن نیست؛ اما در حقوق آلمان قاعده قابلیت پیش‌بینی زیان به‌صراحت نیامده است و بسیاری در وجود چنین قاعده‌ای در حقوق این کشور تردید کرده‌اند. از طرفی، برخی معتقدند که از نظریه «سبب متعارف و اصلی» می‌توان قابلیت پیش‌بینی را آن‌گونه که در کامن‌لا مرسوم است دریافت (Treitel, 1976, PP.121-126).

تا اواخر دهه ۱۹۷۰، قابلیت پیش‌بینی زیان در حقوق آلمان از سوی نویسندگان آلمانی رد می‌شد و آن‌هایی که معتقد بودند باید ماده ۲۵۲ قانون مدنی آلمان را به خسارت قابل پیش‌بینی تحت شرایط نقض احتمالی تفسیر کرد با مخالفت روبه‌رو می‌شدند. در اواخر این دهه، حقوقدانان درخصوص پذیرش محدودیت‌هایی بر قابل پیش‌بینی بودن خسارات بحث‌هایی را مطرح کردند. رویه قضایی آلمان نیز شرط قابل پیش‌بینی بودن خسارات را بر انواع خاصی از خسارات قراردادی اعمال کرد.

پرونده پنییر آلمانی^۲ نمونه‌ای اولیه از پیشرفت محاکم در این خصوص است. سال‌ها پیش از این پرونده، محاکم تئوری سبب متعارف و اصلی (سبب کافی) را به‌منزله نظریه برتر درخصوص خسارات قراردادی به‌کار می‌بردند. دیوان عالی آلمان در پرونده فوق حکم داد که بایع مسئول خسارات معقولی است که برای یک متعهد متعارف در اثر نقض قرارداد قابل پیش‌بینی بوده است. نکته جالب توجه این است که در این پرونده دیوان عالی فدرال آلمان، به‌منظور رسیدن به اصل قابلیت پیش‌بینی زیان، این دکتین را در سایر نظام‌های حقوقی بررسی کرد و درواقع از حقوق تطبیقی برای رسیدن به راه‌حل مناسب

۱. خسارات قابل جبران شامل منافع ازدست‌رفته (عدم النفع) نیز می‌شود. چنین منفعی هنگامی ازدست‌رفته محسوب می‌شوند که در جریان عادی حوادث یا در اوضاع و احوال خاص، به‌ویژه با توجه به اقدامات و احتیاطات صورت‌گرفته، احتمالاً قابل انتظار بوده‌اند.

2. Judgment of Oct. 24, 1980, BGH [Supreme Court]

در حقوق داخلی بهره جست (Schneider, 1995, p. 625-626). قابلیت پیش‌بینی زیان در حقوق ایران نیز در آثار نویسندگان مورد توجه قرار گرفته است و به تعبیر برخی «در این قاعده که زیان‌های دور از انتظار و پیش‌بینی دو طرف که به اسباب نامتعارف و ویژه دعوا بستگی دارد در قلمرو مسئولیت قراردادی قرار نمی‌گیرند، تردید نباید کرد» (کاتوزیان، ۱۳۸۷، ص ۲۲۶). از روح ماده ۶۳۲ قانون مدنی نیز قصد قانون‌گذار برای معافیت از مسئولیت‌های ناخواسته و پیش‌بینی نشده قابل برداشت است. (شهیدی، ۱۳۸۶، ص ۸۱-۸۲).

۳. انواع خسارات قابل مطالبه

در این قسمت انواع خسارت‌های قابل مطالبه برحسب ماهیت و انواع خسارت‌های قابل مطالبه برحسب سبب در نظام حقوقی آلمان مورد مطالعه قرار می‌گیرند و موضع حقوق ایران دربارهٔ هریک از این خسارات بررسی می‌شود.

۳-۱. انواع خسارت‌های قابل مطالبه برحسب ماهیت

خسارت تلف مال، خسارت معنوی، از دست دادن فرصت، ضرر بدنی، خسارت‌های غیرمستقیم قراردادی، خسارت‌های انتظاری و خسارت‌های اتکایی انواع خسارت‌هایی هستند که در نظام حقوقی آلمان برحسب ماهیت تقسیم‌بندی می‌شوند. برخی از این خسارت‌ها در نظام حقوقی ایران نیز قابل مطالبه است.

۳-۱-۱. خسارت تلف مال

ممکن است، در اثر خودداری متعهد از اجرای تعهد، مالی از اموال متعهدله از دارایی او خارج شود، یعنی نسبت به او تلف شود (صفایی و رحیمی، ۱۳۹۷، ص ۹۰)؛ مانند این‌که متعهدله به علت تأخیر متصدی تأسیسات در نصب دستگاه گرمازا که مورد تعهد او بوده است، مجبور شود مبالغی بیشتر از هزینه کارگران تأسیسات مزبور برای تأمین حرارت لازم ساختمان محل نصب دستگاه صرف کند. این مبالغ اضافی که در حقیقت از دارایی متعهدله خارج شده است، خسارت تلف مال محسوب می‌شود که اگر تعهد قراردادی به موقع اجرا می‌شد، به متعهدله تحمیل نمی‌شد (شهیدی، ۱۳۸۶، ص ۶۹-۷۰).

در ماده ۲۴۹ قانون مدنی آلمان به این خسارت پرداخته شده است و مطابق این ماده، این دسته از خسارات در حقوق آلمان قابل مطالبه‌اند.

۳-۱-۲. خسارت معنوی

بنا بر قانون مدنی آلمان، هرگونه لطمه‌ای که به منافع و سرمایه‌های معنوی موردحمایت قانون وارد شود، جبران آن ضروری است و برهمین منوال، آن دسته منافع و سرمایه‌هایی که قانون از آن‌ها حمایت نکرده باشد قابل جبران نیستند. به موجب ماده ۲۵۳ قانون مدنی آلمان، اقامه دعوا برای زیان معنوی جز در موارد استثنایی مقرر در مواد ۸۴۷ و ۱۳۰۰ همین قانون پذیرفتنی نیست. این موارد ناظر به زیان‌های معنوی ناشی از لطمه وارده به سلامتی جسمانی و آزادی فردی است، اما لطمه به عواطف فقط در صورتی قابل جبران است که باعث آسیب به سلامت جسمانی نیز شده باشد. ماده ۸۴۷ قانون مدنی آلمان راه را برای پذیرش جبران خسارت معنوی باز کرد. این ماده مقرر داشته است که در فرض تجاوز نامشروع بر جسم، سلامتی یا محرومیت از آزادی، شخص زیان‌دیده حق دارد که جبران نقدی خسارت وارده را به طور عادلانه مطالبه کند. ماده ۲۵۳ قانون مدنی آلمان در اصلاحات سال ۲۰۰۱، گسترده‌تر شد. ماده جدید در این خصوص مقرر داشت که صدمه به جسم، سلامتی و آزادی فرد، علاوه بر صدمات مادی، از نظر خسارت معنوی نیز قابل مطالبه است؛ البته، با تأکید بند ۱ ماده مذکور، محدوده خسارات معنوی همچنان به اراده قانون‌گذار وابسته است.

در حقوق ایران، ماده ۱ قانون مسئولیت مدنی، در مسئولیت متعهد متخلف در برابر متعهدله نسبت به جبران خسارت معنوی جای تردیدی باقی نمی‌گذارد و به تعبیر برخی، «عبارت هرگونه حق دیگر در این ماده، حق ناشی از قرارداد و تعهد را نیز دربر می‌گیرد و دلیلی بر تخصیص آن به برخی از حقوق وجود ندارد». (شهیدی، ۱۳۸۶، ص ۲۶۰؛ کاتوزیان، ۱۳۸۷، ص ۲۰۷). آنچه مسلم است، به‌رغم وجود بستر قانونی (اصل ۱۷۱ قانون اساسی، مواد ۱، ۲، ۸، ۹ و ۱۰ قانون مسئولیت مدنی و قوانین و مقررات پراکنده دیگر) که راه جبران خسارت معنوی را باز گذاشته است، مقاومت رویه قضایی و البته نظر منفی شورای نگهبان در خصوص خسارات معنوی و عملکرد قانون‌گذار در قانون آیین دادرسی کیفری (۱۳۹۲) (حسینی مدرس و گلشنی، ۱۳۹۲، ص ۳۴) در برابر جبران

این دسته از خسارات (به‌ویژه در حوزه قراردادها) در نظام حقوقی ایران توجیه‌ناپذیر است.

۳-۱-۳. ازدست‌دادن فرصت

متعهدله گاه در اثر تقصیر متعهد فرصت تحصیل منفعت یا اجتناب از ضرر آینده را ازدست می‌دهد. دایره شمول فرصت ازدست‌رفته بیشتر از عدم‌النفع است، زیرا حصول منفعت آینده در عدم‌النفع مسلم است و تقصیر خواننده مانع ایجاد آن می‌شود. یکی از اصول جبران خسارت این است که برای قابل‌جبران بودن ضرری آن ضرر باید مسلم باشد و بین ضرر و تقصیر خواننده (یا فعل مرتکب در نظام‌های حقوقی که عنصر تقصیر شرط ضروری مطالبه خسارت نیست) رابطه سببیت وجود داشته باشد. آنچه باعث تردید در خصوص جبران خسارت ناشی از فرصت ازدست‌رفته شده تردید در وجود این دو شرط است. صرف‌نظر از شرایط عام مسئولیت، برای قابل‌جبران بودن فرصت ازدست‌رفته شرایط خاصی نیز لازم است، از جمله این‌که این فرصت باید جدی و واقعی باشد و صرف وهم و خیال نباشد (کاظمی، ۱۳۸۰، ص ۱۹۲-۱۹۵) فرصت ازدست‌رفته ممکن است ناشی از رابطه قراردادی طرفین باشد؛ برای مثال، هنگامی که طرف قرارداد با امتناع از انجام تعهد یا تأخیر در اجرا فرصت‌های متعهدله را از بین می‌برد (بهراری اردکانی و همکاران، ۱۳۹۵، ص ۷۴)

موقعیت نظام‌های حقوقی مختلف در خصوص این‌که آیا نفس ازدست‌رفتن فرصت می‌تواند باعث مسئولیت شود یا نه متفاوت است. در حقوق آلمان، اگرچه مقررات دقیقی در این خصوص در قانون مدنی وجود ندارد، اما رویه‌های قضایی جدید تمایل دارند که دست‌دادن فرصت در حقوق قراردادها را در حکم ضرر مستقل بپذیرند؛ در حالی که این نظریه در مسئولیت مدنی غیرقراردادی پذیرفته نشده است. در ماده ۹-۵۰۱، بند ۲، قسمت الف اصول قراردادهای اروپایی (PECL¹)، خسارات قابل‌جبران شامل خسارت‌های آتی که به‌طور متعارف احتمال به‌وجود آمدن آن‌ها وجود دارد نیز می‌شوند. این ماده را این‌گونه تفسیر کرده‌اند که مقصود از خسارات آینده نوعی ازدست‌دادن فرصت است (Von Bar et al., 2004, pp.83-85).

1. The Principles on European Contract Law

۳-۱-۴. ضرر بدنی

ضرر بدنی را آسیبی تعریف کرده‌اند که بر تمامیت جسمانی فرد وارد می‌شود (شکستگی، نقص عضو، ازکارافتادگی، فوت) (دینانی و براهیم باستانی، ۱۳۹۶، ص ۱۴۰). در واقع هزینه‌های درمان و خسارت‌هایی که به علت ازکارافتادگی بر فرد وارد شده در زمره ضررهای بدنی به‌شمار می‌رود.

قسمت اول بند ۲ ماده ۲۴۹ قانون مدنی آلمان، این تصمیم را برعهده خود شخص زیان‌دیده گذاشته است که آیا مسئولیت متعهد تأثیری بر بازگرداندن سلامتی شخص آسیب‌دیده خواهد داشت یا نه. ممکن است این شخص برای بازگرداندن سلامتی‌اش مبلغی پول مطالبه کند.

حال سؤال اینجاست: آیا شخص صدمه‌دیده می‌تواند میزانی فرضی را برای صدمه وارده دریافت کند، اگرچه این پول برای بازگرداندن سلامتی‌اش خرج نشده است؟ در پرونده شماره BGH,97,14,Case no.142، دادگاه دعوی خواهان را برای چنین مبلغی رد کرد و بین حالت صدمه به اموال و صدمات جسمانی تمایز قائل شد. شایان ذکر است که مطالبه خسارت برای درد و رنج در یک دعوی مبتنی بر قرارداد، بنا بر بند ۲ ماده ۲۵۳ قانون مدنی آلمان، امکان‌پذیر است (Markesinis et al., 2006, p.482). حقوق ایران، ماده ۵ و ۶ قانون مسئولیت مدنی (۱۳۳۹)، جبران خسارت‌های مادی و غیرمادی ناشی از صدمات جسمانی را به رسمیت می‌شناسد؛ البته این قانون نظام متفاوتی را نسبت به نظام پرداخت دیه ترسیم می‌کند. در نظام حقوقی ایران، بیشترین بحثی که درخصوص ضرر بدنی وجود دارد مطالبه همزمان دیه و هزینه‌های درمان است. گروهی بر این باورند که برای جبران برخی از ضررهای بدنی، به‌موجب قانون، مال معینی تعیین شده و مطالبه زاید بر آن مقصود قانون‌گذار نبوده است و گروهی، برخلاف این نظر، بر اصل جبران کلیه خسارات که منطبق با موازین حقوقی و عدالت و انصاف است تأکید می‌کنند. در رویه قضایی نیز آرای در حمایت از هریک از این دو نظر مشاهده می‌شود (صفایی و رحیمی، ۱۳۹۷، ص ۱۴۰-۱۴۲).

۳-۱-۵. خسارات غیرمستقیم (با واسطه) قراردادی^۱

خسارات با واسطه، که به خسارات خاص نیز معروف‌اند، متفاوت از سایر خسارات مستقیمی هستند که ممکن است به نفع خواهان در یک دعوی مدنی بدان حکم داده شود. در واقع، خسارات غیرمستقیم هنگامی رخ می‌دهد که «بین نقض قرارداد و ورود خسارت اسباب دیگری دخالت داشته باشد» (سلطانی‌نژاد، ۱۳۹۵، ص ۵۱).

خسارات غیرمستقیم شامل خسارات تولید، عدم‌النفع یا ازدست‌رفتن سرمایه هستند و در صورتی قابل مطالبه‌اند که به‌طور معقولی در روز قرارداد برای طرفین قابل پیش‌بینی باشند (در کامن‌لا) یا رابطه سببیتی بین آن‌ها و عمل متعهد برقرار باشد (در حقوق آلمان) (Schneider, 1995, p.636). یکی از پرونده‌های مشهور در این خصوص پرونده پنیر آلمانی است. در این پرونده، خواهان صادرکننده دانمارکی و خوانده وارده‌کننده آلمانی یک نوع پنیر بود که این کالا را به خرده‌فروشان دیگری می‌فروخت. پس از انجام مذاکرات قراردادی، طرفین قراردادی را در ۱۹۷۷ منعقد کردند. خریدار به تعهدات خود به‌طور کامل عمل نکرد و فروشنده از خریدار شکایت کرد.

خریدار در دفاعیاتش این ادعاها را مطرح کرد: ۱. فروشنده به تخفیف در ثمن راضی بوده است. ۲. فروشنده قرارداد را به دلیل فاسدبودن ۳ درصد از پنیرهای تسلیم شده نقض کرده است. در نتیجه چنین تسلیم معیوبی، خریدار درخواست مطالبه سه نوع خسارت را مطرح کرد: ۱. چهار نفر از مشتریان خریدار که مشتریان دائمی و عمده بودند رابطه تجاری‌شان را با خریدار قطع کردند که این موضوع در چهار سال ۲۲۸ هزار مارک ازدست‌رفتن منفعت را برای او به همراه داشته است. ۲. یکی از مشتریان خریدار، شرکت H، بازارش را در نتیجه پنیرهای فاسد ازدست داده و بدین‌منظور خریدار (اول) می‌بایست ۸۰۰ مارک به او بپردازد. ۳. در نتیجه قطع روابط تجاری با یک مشتری، شرکت دیگری (شرکت I)، قرارداد حمل‌ونقلی را ازدست داد که این موضوع هزینه‌های حمل‌ونقل او را در طی چهار سال ۶۲ هزار و ۴۰۰ مارک افزایش داد.

در جریان دادرسی، فروشنده ادعا کرد که مشتریان خریدار به علل دیگری با او قطع رابطه کرده‌اند. دادگاه به نفع فروشنده حکم داد و ادعای خواهان را برای خسارت با

1. Consequential loss

واسطه رد کرد، اما به علت پنی‌های فاسد ۳ درصد از قیمت قرارداد کم کرد. خریدار تجدیدنظرخواهی کرد و دوباره ادعای مطالبه خسارات غیرمستقیم را مطرح نمود؛ اما دادگاه تجدیدنظر نیز حکم دادگاه بدوی را تأیید کرد و به نفع فروشنده حکم داد. در حکم دادگاه چنین آمده بود: «خریدار تنها می‌تواند آن دسته از منافع تفویض شده را مطالبه کند که فروشنده در هنگام قرارداد می‌توانسته آن‌ها را پیش‌بینی کند و در این مورد فروشنده قادر نبوده که عدم‌النفع ناشی از روابط قطع شده را در هنگام قرارداد پیش‌بینی کند.» دیوان عالی آلمان نیز در خصوص این پرونده ذکر می‌کند که فروشنده این واقعیت را که ۳ درصد پنی‌های تسلیمی فاسد بوده نپذیرفته است و در نهایت تصریح می‌کند که عدم‌النفع مورد ادعای خریدار و شرکت H ممکن است در نتیجه نقض فروشنده نباشد و به علت ارسال پنی فاسدی باشد که قبل از قرارداد با فروشنده محقق شده است (Schneider, 1995, p.637-638).

این پرونده هم از جهت بحث قابلیت پیش‌بینی خسارت در هنگام انعقاد قرارداد و هم از حیث مطالبه خسارات غیرمستقیم در حقوق آلمان اهمیت دارد. این دسته از خسارات در نظام جدید تعهدات آلمان مشمول بند ۱ ماده ۲۸۰ قانون مدنی آلمان می‌شود و تحت عنوان خسارات ساده قابل مطالبه است. در حقوق ایران، برخی بر این نظرند که عرف تعیین می‌کند کدام دسته از خسارت‌ها به واردکننده زیان منتسب است (سلطانی‌نژاد، ۱۳۹۵، ص ۶۰). البته برخی نویسندگان نیز بر این نظرند که حدود چنین خسارت‌هایی را توافق طرفین تعیین می‌کند (صفایی و دیگران، ۱۳۸۷، ص ۴۸۰).

۳-۱-۶. خسارت‌های انتظاری^۱

این دسته از خسارت‌ها به‌منظور حمایت از انتظارات متعهدله برای به‌دست‌آوردن آنچه برای آن معامله کرده وضع شده است. هدف راه جبرانی اجرای اجباری تحصیل موضوع قرارداد است، درحالی‌که هدف راه جبرانی خسارات این است که به متعهدله جایگزین پولی منافعش را بدهد. نظام‌های حقوقی مختلف بر سر این موضوع توافق دارند که معیار عمومی پرداخت خسارات انتظاری باید قراردادن شخص زیان‌دیده در موقعیتی باشد که در صورت انجام سروقت قرارداد در آن موقعیت قرار می‌گرفت.

1. expectation loss

در کامن‌لا این منافع به منافع انتظاری معروف است و در حقوق آلمان و اتریش بدان منافع مثبت می‌گویند. این نوع از خسارت‌ها با خسارت‌های اتکایی تفاوت دارند و معمولاً هم ضرری که زیان‌دیده متحمل شده و هم نفعی که از آن محروم شده را دربر می‌گیرد. ماده ۲۵۲ قانون مدنی آلمان که به عدم‌النفع اختصاص دارد این منافع را به رسمیت شمرده است (Lando & Beale, 2000, pp.440-445).

ماده ۲۵۲ قانون مدنی آلمان درباره عدم‌النفع می‌گوید: «جبران خسارت هم شامل عدم‌النفع است. منفعت زمانی از دست‌رفته تلقی می‌شود که در سیر عادی امور قابل‌انتظار باشد یا مطابق با شرایط و اوضاع و احوال خاص، بالاخص در سایه تمهیدات صورت‌گرفته، متوقع باشد.» مبنای بند ۱ ماده ۲۸۰ قانون مدنی آلمان نیز حمایت از منافع انتظاری است.

برای موجه دانستن مطالبه منافع انتظاری، از طرف حقوق‌دانان، ادله‌ای اقامه شده است. برای مثال، گفته‌اند که نقض تعهد باعث خسران و آسیب‌دیدن روان متعهدله می‌شود. متعهدله انتظار اجرای تعهد را داشته و نقض قرارداد باعث شده که او از حق خود محروم شود و همین موضوع، لزوم جبران منافع انتظاری را برای او توجیه می‌کند. دلیل دومی که آورده‌اند این است که بنا بر تئوری اراده^۱ در حقوق قراردادهای، طرفین قرارداد در برابر آنچه تعهد کرده‌اند مسئول‌اند. اگر الف تعهد کرده که به ب هزار دلار بپردازد، ما الف را مسئول پرداخت ثمن معامله می‌کنیم. در واقع قرارداد قانونی است که طرفین وضع کرده‌اند و باید به آن پای‌بند باشند (Fuller & Perdue, 1936, pp. 52-66). خسارات انتظاری ممکن است با واسطه، جانبی یا مستقیم باشند. در حقوق ایران، برخی نویسندگان منفعت انتظار را «شامل منفعی می‌دانند که طرف قرارداد انتظار به‌دست‌آوردن آن را بر مبنای سیر متعارف و طبیعی امور داشته و اکنون از دست داده است» و فایده این تحلیل را مطالبه زیان‌های مختلفی می‌دانند که در نتیجه قالب‌های سنتی تلف مال و فوت منفعت نمی‌گنجد (کاتوزیان، ۱۳۸۷، ص ۲۰۶).

۳-۱-۷. خسارت‌های اتکایی^۱

موضوع این خسارت‌ها هنگامی به وجود می‌آید که خواهان، با اتکا و اعتماد به تعهد خواننده، موقعیتش را تغییر داده است. مثلاً خریدار، ضمن قراردادی برای فروش زمین، در خصوص تحقیقات در مورد سمت فروشنده هزینه‌هایی متحمل شده یا فرصت ورود به قراردادهای دیگر را از دست داده است. هدف از جبران خسارت اتکایی قرارداد در متعهدله در همان موقعیتی است که در صورت منعقدنشدن قرارداد در آن موقعیت قرار می‌گرفت (Fuller, 1936, pp.52-66). در چند ماده از مواد قانون مدنی آلمان به این منافع اشاره شده است. از جمله در ماده ۱۲۲ این قانون به صراحت از «منافعی که در اثر اتکا به اعتبار اعلام اراده متحمل شده» نام برده شده است. ماده ۲۸۴ قانون مدنی آلمان نیز مقرر می‌دارد: «در مقام مطالبه خسارت عوض ایفای تعهد، متعهدله می‌تواند تادیبه هزینه‌هایی را که از حیث اتکای معقول به ایفای تعهد متحمل شده مطالبه کند، مگر این که مقصود آن هزینه حاصل نمی‌شد، حتی اگر متعهد تعهد خود را نقض نمی‌کرد.» برخی نویسندگان ایرانی این دسته از خسارت‌ها را «منفعت اعتماد» نام نهاده‌اند و آن را خساراتی تعریف کرده‌اند که «طرف قرارداد در نتیجه تغییر وضع خود و به اعتماد اجرای قرارداد متحمل شده است. مانند وامی که بازرگانی به منظور اجرای قرارداد می‌گیرد» (کاتوزیان، ۱۳۸۷، ص ۲۰۶). البته به نظر می‌رسد در خصوص مطالبه این دسته از خسارت‌ها در حقوق ایران تردید وجود دارد.

۳-۲. انواع خسارت‌های قابل مطالبه برحسب سبب

خسارت‌های قابل مطالبه برحسب سبب در قانون جدید آلمان به سه دسته خسارت‌های به جای اجرا، خسارت‌های برای تأخیر در اجرا و خسارت‌های در کنار اجرا (خسارت‌های ساده) تقسیم‌بندی می‌شود.

1. Reliance Interests

۳-۲-۱. مطالبه خسارت به جای اجرا

«مطالبه خسارت به جای اجرا»^۱ در قانون مدنی جدید آلمان واژه جدیدی است که جایگزین واژه قدیمی «خسارت برای عدم اجرا»^۲ شده است و فقط زمانی قابل مطالبه است که شرایط موردنظر قانونگذار در مواد ۲۸۱، ۲۸۲ یا ۲۸۳ (مندرج در ماده ۲۸۰-۳ قانون مدنی آلمان) فراهم باشد (Fauvarque-Cosson, & Mazeaud, 2009, p. 296). الزام به اجرای عین تعهدات قراردادی در حقوق ایران، در مقایسه با اسناد نوین حقوق خصوصی، راه جبرانی اصلی است و متعهدله فقط هنگامی می‌تواند به جبران خسارت روی آورد که امکان چنین اجرایی وجود نداشته باشد و دادگاه نیز نتواند شخص را اجبار کند (خورسندیان، ۱۳۹۶، ص ۷۰).

عدم امکان اجرا

اگر اجرا غیرممکن باشد و مشمول بند ۱ ماده ۲۷۵ قانون مدنی آلمان شود، متعهد خودبه‌خود از تعهد آزاد می‌شود. مطابق بند ۲ و ۳ ماده ۲۷۵ قانون مدنی آلمان نیز، متعهد می‌تواند دفاع خود را مطرح کند و اثرش همان اثر بند ۱ ماده مذکور است. ماده ۲۸۳ قانون مدنی آلمان درخصوص جبران خسارت به جای ایفای تعهد در صورتی که طرف مکلف به ایفای تعهد نباشد مقرر می‌دارد: «چنانچه به موجب بندهای ۱ تا ۳ ماده ۲۷۵، متعهد مکلف به ایفای تعهد نباشد، متعهدله می‌تواند، به جای ایفای تعهد، مطالبه خسارت کند. بند ۱ ماده ۲۸۱، جمله‌های دوم و سوم، و بند ۵ با تغییرات مقتضی اعمال می‌شوند».^۳ نکته مهم دیگر در قانون جدید ماده ۳۱۱ «الف» است. این ماده در بند ۱ خود به صحیح بودن عقد حتی در صورت عدم امکان ابتدایی اذعان دارد و در بند ۲ مقرر می‌دارد: «متعهدله می‌تواند، به جای اجرای تعهد، به نحو مقرر در ماده ۲۸۴ مطالبه خسارت کند. در صورتی که هنگام انعقاد قرارداد، متعهد از وجود مانع بر اجرای تعهد اطلاعی نداشته و مسئولیت عدم آگاهی از (وجود مانع) نیز بر عهده او نباشد، چنین حکمی اعمال نمی‌شود».

1. Damages in lieu of performance

2. Damages for non-performance

۳. تفاوت رژیم قانون مدنی سابق آلمان و رژیم فعلی درخصوص عدم امکان ابتدایی است. مطابق رژیم قانون قبلی، متعهدله مستحق مطالبه خسارت برپایه منافع اتکالی بود، اگر متعهد از عدم امکان آگاه بوده یا می‌بایست آگاه باشد. اگر عدم امکان شخصی بود، قرارداد غیرصحیح تلقی می‌شد و دادگاه‌ها نوعی مسئولیت مبتنی بر تضمین را بر متعهد بار می‌کردند.

مسئولیت مندرج در این ماده مبتنی بر تقصیر است (Oliveira, 2005, p.131). نتیجه این می‌شود که متعهدله می‌تواند منافع مثبتش را در همه موارد عدم امکان ادعا کند، مگر این‌که متعهد ثابت کند که او مسئول عدم امکان اجرا نیست (درواقع بار اثبات مسئول نبودن بر عهده متعهد است) (Zimmermann, 2002, pp.21-22).

در حقوق ایران، نزدیک‌ترین مفهوم به عدم امکان آلمانی فورس ماژور است. در مواد ۲۲۷ و ۲۲۸ قانون مدنی ایران به اثر قوه قاهره در قراردادها اشاره شده و در بند ۲ ماده ۱۳۱۲ این قانون نمونه‌هایی از فورس ماژور ذکر شده است. دو وصف «خارجی بودن» و «مقاومت‌ناپذیر بودن» از قانون مدنی به دست می‌آید و «از بخش اخیر ماده ۲۲۷ که ارتباط مانع با متعهد را برای مسئول شناختن او کافی می‌داند و بند ۴ ماده ۱۳۱۲ که حادثه را «غیرمنتظره» وصف کرده است، چنین برمی‌آید که قوه قاهره باید قابل پیش‌بینی هم نباشد (کاتوزیان، ۱۳۸۷، ص ۱۸۲).

اجرای دیر هنگام و غیر منطبق

در حالتی که متعهد برای اجرا تأخیر کرده یا اجرا را به شکلی غیر منطبق با قرارداد انجام داده است، متعهدله می‌تواند به جای اجرا مطالبه خسارت کند، به شرط آنکه شرایط بند ۱ ماده ۲۸۱ محقق باشد. این ماده بدین شرح است: «در صورتی که متعهد تعهد خود را در موعد مقرر یا تعهد را به طور صحیح ایفا نکند، متعهدله می‌تواند در صورتی که مدت معقولی برای ایفای تعهد یا ایفای تعهد به طور کامل تعیین نکرده باشد، با رعایت بند ۱ ماده ۲۸۰، به جای ایفای تعهد، مطالبه خسارت کند. چنانچه متعهد به صورت جزئی ایفای تعهد کرده باشد، متعهدله می‌تواند در صورتی که از ایفای تعهد به طور جزئی منتفع نمی‌شود، به جای ایفای تعهد کامل، مطالبه خسارت کند. چنانچه متعهد تعهد را به نحو صحیح ایفا نکرده باشد، در صورتی که نقض تعهد، امر اساسی نباشد، متعهدله نمی‌تواند به جای ایفای تعهد مطالبه خسارت کند». نکته مهم این ماده این است که اگر عدم اجرا کل قرارداد را دربر نگیرد، حق مطالبه خسارت به جای کل اجرا بسته به این است که آیا متعهدله نفعی در اجرای قسمتی از قرارداد دارد یا ندارد و در قسمت مربوط به عدم انطباق اجرا، آیا نقض جدی بوده یا نبوده است (Reimann & Zekoll, 2005, p.194).

حقوقدانان ایرانی نیز از ماده ۲۲۱ قانون مدنی حکم مشابهی را استخراج کرده‌اند. به این معنا که تخلف متعهد باعث می‌شود که نتوان آنچه او به‌جای آورده است را جزئاً یا کلاً با عمل معهود منطبق دانست، از این رو او متخلف به‌شمار می‌آید (شهیدی، ۱۳۸۶، ص ۵۶-۵۷؛ کاتوزیان، ۱۳۸۷، ص ۱۴۴). البته باید توجه داشت که خودداری از پذیرش اجرای تعهد در فرض ما مربوط به اجرای غیرمنطبق یا دیر هنگام در تعهدات قراردادی است. اگر متعهد تعهد خود را مطابق با قرارداد انجام دهد و متعهدله از قبول خودداری کند، موضوع مشمول ماده ۲۷۳ قانون مدنی است (پارساپور و همکاران، ۱۳۹۶، ص ۷۸)

نقض تعهدات فرعی

سومین حالتی که قانون مدنی آلمان به متعهدله حق مطالبه خسارت به جای اجرا را می‌دهد، با ماده ۲۸۲ و بند ۳ ماده ۲۸۰ مرتبط است. در حقوق آلمان فقط تعهدات قراردادی مربوط به اجرا اهمیت ندارد، بلکه طرفین ملزم به رعایت حقوق و منافع قانونی یکدیگرند (بند ۲ ماده ۲۴۱). طیف وسیعی از تعهدات فرعی در این اصل کلی نهفته است. نقض تعهدات فرعی به متعهدله حق مطالبه خسارت به جای اجرا می‌دهد.

مثال مشهور در این خصوص نقاشی است که کار نقاشی را به‌دقت انجام می‌دهد، اما به سایر وسایل متعهدله مانند مبلمان و لوستر آسیب می‌رساند. البته تعهدات فرعی که مستقیم به اجرا صدمه وارد می‌کنند، مشمول بند ۳ ماده ۲۸۰ و ماده ۲۸۱ قانون مدنی آلمان می‌شود و به اجرای غیرمنطبق با قرارداد ارتباطی ندارد (مثلاً فروشنده‌ای که، به علت بسته‌بندی نامناسب کالا، باعث ورود خسارت به کالا می‌شود) (Zimmermann, 2002, p. 22). به نظر می‌رسد، با توجه به ماده ۲۲۱ قانون مدنی ایران، متعهد را باید مسئول خساراتی دانست که برحسب سیر متعارف امور به‌طور طبیعی از عهدشکنی حاصل می‌شود و هر دو طرف انتظار آن را دارند. در مثال آسیب‌رسانی نقاش به لوستر و مبلمان می‌توان به مسئولیت قهری نقاش استناد کرد (کاتوزیان، ۱۳۸۷، ص ۲۲۶).

۲-۲-۳. مطالبه خسارت برای تأخیر در اجرا

ماده ۲۸۶ قانون مدنی آلمان مقرر می‌دارد: «چنانچه پس از اخطار متعهدله مبنی بر ایفا^۱ (اگر اخطار پس از موعد ایفای تعهد ابلاغ شده باشد) متعهد تعهد خود را ایفا نکند، این اخطار موجب متخلف محسوب‌شدن او می‌شود. طرح دعوا دایر به ایفای تعهد و ابلاغ اخطار دادگاه در مقام رسیدگی اختصاری به دین متعهد، در حکم اخطار ایفای تعهد است.»

هدف از مطالبه خسارت برای تأخیر پرداخت آن دسته از خساراتی است که از اجرای با تأخیر حاصل شده است. گفتنی است مطالبه خسارت برای تأخیر حق مطالبه ایفای عین تعهد را از بین نمی‌برد. اگر اجرا پایان یابد (چه به دلیل این که متعهدله مطالبه خسارت به جای اجرا نماید^۲ یا این که اجرا غیرممکن باشد^۳)، مطالبه خسارت برای تأخیر در اجرا نیز پایان می‌یابد.

شرایط وقوع تأخیر از سوی متعهد بیشتر دیدگاه سنتی حقوق آلمان را دنبال می‌کند. سه شرط موردنظر بدین شرح است: اول، تأخیر مستلزم این است که اجرا همچنان ممکن باشد و اگر اجرا غیرممکن باشد، درخواست اجرا هیچ هدف عملی ندارد. دوم، تأخیر فقط هنگامی روی می‌دهد که مهلت اجرای تعهد قراردادی فرا رسیده باشد و قابل مطالبه باشد. زمان اجرا بسته به قصد طرفین است، اما در فقدان قصدی واضح و صریح، این زمان فوری است (بند ۱ ماده ۲۷۱ قانون مدنی آلمان). سومین شرط این است که متعهد باید از سوی متعهدله و با اخطاری آگاه شود. لازم نیست این اخطار شکل خاصی داشته باشد، اما نباید مشروط و مبهم باشد (Reimann & Zekoll, 2005, p. 193; Markesinis, et al., 2006, pp. 464-466).

در مواردی ممکن است خواهان از ابلاغ اخطاریه معاف شود. این موارد را بند ۲ ماده ۲۸۶ قانون مدنی آلمان برشمرده است:

«اگر: ۱. زمان ایفای تعهد بر اساس تقویم تعیین شده باشد، ۲. ایفای تعهد مؤخر بر رویدادی باشد و زمان مقتضی برای ایفای تعهد تعیین شده باشد به شکلی که بتوان آن را

1. Nachfrist

۲. موضوع بند ۴ ماده ۲۸۱ قانون مدنی آلمان

۳. موضوع ماده ۲۷۵ قانون مدنی آلمان

بر اساس تقویم از روز وقوع آن رویداد محاسبه کرد، ۳. متعهد به‌طور صریح و قاطع از ایفای تعهد خودداری ورزد و ۴. با توجه به منافع طرفین تقصیر قریب‌الوقوع باشد، نیازی به اخطاریه نیست»^۱

اگر متعهد دعوی جبران خسارت، در ظرف ۳۰ روز از موعد مقرر و تاریخ دریافت اخطاریه، تعهد خود را ایفا نکند، مسئول پرداخت خسارت برای تأخیر در اجرا می‌شود. باید گفت، به‌منزله یک قاعده کلی، در این ماده نیز با ذکر کلمه «متخلف» بر لزوم تقصیر متعهد، صحه گذاشته شده است. البته شایان ذکر است که این تقصیر مفروض است و اثبات عدم تقصیر بر عهده متعهد است. استثنائات قاعده تقصیر، از جمله اوضاع و احوال خارج از کنترل متعهد، در بند ۴ ماده ۲۸۶ بیان شده است: «مادام که ایفای تعهد به دلیل اوضاع و احوال خارج از کنترل متعهد صورت نگیرد، او متخلف محسوب نخواهد شد». تأخیر متعهد در اجرای تعهدش تبعات و آثاری نیز به همراه دارد: نخست این که حق جبران خسارت، آن دسته از خسارت‌هایی را که به‌وسیله تأخیر نیز به‌وجود می‌آیند، دربر می‌گیرد (حق اجرا تحت تأثیر جبران خسارت برای تأخیر قرار نمی‌گیرد). حالت دوم در خصوص تعهدات پولی است. بند ۱ ماده ۲۸۸ قانون مدنی آلمان مقرر می‌دارد، در صورت تأخیر، متعهد ملزم به پرداخت بهره است (بند ۴ تأکید می‌کند که حق مطالبه خسارت به قوت خود باقی است). سومین اثر تأخیر این است که متعهدی که رسماً تأخیر کرده خود را در موقعیت تشدید مسئولیت قرار می‌دهد. مطابق ماده ۲۸۷ قانون مدنی آلمان، این بدان معناست که او حتی مسئول قصور سبک نیز هست و اگر اجرا غیرممکن شود، او مسئول این عدم امکان نیز هست، حتی اگر این عدم امکان منسوب به او نباشد (Zimmermann, 2002, pp.24-25; Markesinis, 2006, pp.466-468). در حقوق ایران، شرایطی مانند گذشتن موعد انجام تعهد و عدم اجرای تعهد از سوی متعهد (به استناد ماده ۲۲۶ قانون مدنی)، وارد آمدن ضرر به متعهدله، رابطه سببیت بین تأخیر در انجام تعهد یا عدم انجام تعهد و ورود ضرر و لزوم جبران خسارت به‌موجب قرارداد، عرف یا قانون (ماده ۲۲۱ قانون مدنی) برای مطالبه خسارت ناشی از تأخیر در انجام تعهد

۱. در زمینه کالای غیرمنطبق با قرارداد، خسارت بسته به این واقعیت دارد که فروشنده کالای معیوبی را ارسال کرده است یا خیر. در این رابطه، اخطار به متعهد هدف عملی ندارد. بنابراین هرچند موضوع اختلافی است، اما نظر غالب این است که هیچ اخطاری در این زمینه موضوعیت ندارد.

لازم است. لزوم اثبات ضرر در دو حالت استثنایی لازم نیست: در صورتی که به استناد ماده ۲۳۰ قانون مدنی در قرارداد پیش‌بینی وجه التزام شده باشد یا تعهد از نوع تعهدات پولی باشد و با مطالبه دائن و تمکن مدیون و تغییر فاحش شاخص قیمت همراه باشد (ماده ۲۲۱ قانون مدنی). در واقع، در صورتی که در قرارداد برای تأخیر در اجرا خسارتی تعیین شده باشد، متعهدله مستحق مطالبه اجرای تعهد خواهد بود، برخلاف زمانی که دریافت خسارت برای عدم اجرا باشد که در این صورت الزام به اجرا امکان‌پذیر نیست، چون اعمال شرط خسارت بدل اجرا محسوب می‌شود (احمدوند، ۱۳۸۳، ص ۲۸)

۳-۲-۳. مطالبه خسارات ساده

بند ۱ ماده ۲۸۰ قانون مدنی آلمان مقرر می‌دارد: «چنانچه متعهد وظایف ناشی از تعهد را ایفا نکند، متعهدله می‌تواند خسارت ناشی از این نقض تعهد را مطالبه کند. در صورتی که متعهد مسئول عدم ایفای تعهد نباشد، نمی‌توان از او خسارت مطالبه کرد.» به خسارات در کنار اجرا یا خسارات ساده بر پایه این ماده حکم داده می‌شود. اصل تقصیر در اینجا نیز حضوری پررنگ دارد.

برخلاف قانون قدیم، در قانون مدنی جدید آلمان خسارت برای تأخیر و خسارت به جای اجرا کاملاً از هم متمایزند. در واقع موضوع بحث برانگیز تمایز بین خسارات برای تأخیر و خسارات در کنار اجرا (خسارات ساده) است. اگر خسارات ساده مطالبه شوند، کافی است که متعهد مسئول نقض قرارداد باشد. در حالی که اگر خسارت برای تأخیر مطالبه شود، متعهدله از لحظه‌ای که متعهد اخطاریه را دریافت کرده است مستحق جبران خسارت است (بند ۱ ماده ۲۸۶). در واقع بند ۱ ماده ۲۸۰ نوعی ماده پشتیبان (جایگزین) است که اگر ملزومات خاص بند ۲ ماده ۲۸۰ در خصوص تأخیر و بند ۳ ماده ۲۸۰ در مورد خسارت به جای اجرا فراهم نبود، این بند اعمال می‌شود (Zimmermann, 2002, p.27; Markesinis et al., 2006, pp.468-469).

نتیجه‌گیری

آنچه در اصلاحات اخیر قانون مدنی آلمان مشهود است، تلاش قانون‌گذار برای پیوند دادن حقوق قراردادها با تحولات جدید صنعت، حقوق مصرف‌کننده و فناوری روز است.

روح حاکم بر قانون مدنی جدید آلمان طرف‌دار حقوق مصرف‌کننده است. بدین جهت، قانون‌گذار آلمانی مفهوم تقصیر قراردادی را محدود به راه جبرانی مطالبه خسارت نمود و علاوه بر آن، این تقصیر را مفروض تلقی کرد و این موضوع از مهم‌ترین تفاوت‌های قوانین قدیم و جدید آلمان به‌شمار می‌رود.

در قانون قدیم آلمان، توسل به یکی از این دو راه جبران خسارت و فسخ متعهده را از توسل به راه دوم باز می‌داشت؛ اما قانون‌گذار در قانون مدنی جدید، در ماده ۳۲۵، این امکان را فراهم کرد که از نظر حقوقدانان آلمانی این موضوع تحول عمیقی در راه‌های جبرانی مدنظر قانون‌گذار به‌وجود آورده است.

تفکیک خسارات قابل مطالبه برحسب سبب در قانون جدید به خسارات به جای اجرا، خسارات برای تأخیر در اجرا و خسارات در کنار اجرا (خسارات ساده) هرچند سیستم سابق را ساده‌تر کرده، اما ابهاماتی نیز برجا گذاشته است که، با مرور زمان و غنی شدن دکترین و آرای قضایی مرتبط، تفکیک این خسارات از یکدیگر روشن‌تر خواهد شد. حقوقدانان آلمانی تحولات صورت‌گرفته در قانون مدنی این کشور را مثبت ارزیابی کرده و آن را گامی به سوی یکسان‌سازی حقوق خصوصی و مترقی شدن حقوق مدنی همگام با تحولات روز جهان می‌دانند.

بر طبق این فرضیه که همه جوامع در اصل با مشکلات یکسانی مواجه‌اند و حل این مشکلات در جوامع مختلف با روش‌های متفاوت اما با نتایج یکسانی صورت می‌گیرد (Berger, 2001, p. 877)، می‌توان از تجاربی که حقوقدانان آلمانی درخصوص موضوع خسارات قراردادی کسب کرده‌اند برای برطرف کردن خلأهای قانونی داخلی استفاده کرد. با مقایسه این دو نظام حقوقی باید گفت، انواع خسارات نقض تعهدات قراردادی و شرایط جبران چنین خساراتی در حقوق ایران به صورت پراکنده و از خلال موادی از قانون مدنی و مواد پراکنده‌ای در قوانین آیین دادرسی مدنی، قانون مجازات اسلامی، قانون آیین دادرسی کیفری قابل برداشت است. قانون‌گذار و رویه قضایی ایران همچنان درخصوص جبران خساراتی مانند خسارات مازاد بر دیه تردید دارد، درحالی‌که رویه قضایی آلمان حتی خسارت از دست‌دادن فرصت را نیز جبران‌پذیر می‌داند. به نظر می‌رسد قانون‌گذار ایرانی باید، با توجه به واقعیت‌های اجتماعی و اقتصادی، راه را برای

جبران خسارت‌هایی مانند خسارت‌های معنوی، خسارت مازاد بر دیه، خسارت‌های انتظاری و اتکایی هموار سازد و برای تشخیص خسارت‌های غیرمستقیم نیز، به جای تکیه صرف بر عرف، ضابطه‌ای مانند قابلیت پیش‌بینی یا رابطه سببیت را بپذیرد.

منابع

- احمدوند، ولی الله (۱۳۸۳)، آثار و احکام شرط تعیین خسارت ناشی از تاخیر و عدم اجرای تعهد در حقوق ایران با مطالعه تطبیقی، فصلنامه مصباح، شماره ۶۱، ص ۵-۳۲.
- بادینی، حسن و فرزانه بروجنی، فرناز (۱۳۹۷). «نگرش تحلیلی به امکان فسخ قرارداد با وجود ممکن بودن اجرای عین تعهد در حقوق آلمان و ایران». *مطالعات حقوقی*، دوره ۱۰، شماره ۱، ص ۳۷-۵۹.
- بهاری اردکانی، ابوالفضل، هاشمی باجگانی، سیدجعفر و سلیمان، ابوالفضل (۱۳۹۵). «مسئولیت مدنی ناشی از فرصت از دست‌رفته». *مجلس و راهبرد*، سال ۲۳، شماره ۸۶، ۱۳۹۵، ص ۶۹-۹۴.
- پارساپور، محمدباقر، قدیمی، احسان و کبیری شاه‌آباد، حمید (۱۳۹۶). «بررسی خودداری از پذیرش اجرای قرارداد از سوی متعهدله در حقوق ایران و فقه امامیه با نگاهی به اصول حقوق قراردادهای اروپا و کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا». *پژوهش‌های حقوق تطبیقی*، دوره ۲۱، شماره ۴، ص ۵۷-۸۲.
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۷۸). *دوره حقوق مدنی: حقوق تعهدات*. تهران: انتشارات گنج دانش، چاپ سوم.
- حسینی مدرس، سیدمهدی و عصمت گلشنی (۱۳۹۲). «طریق جبرانی پرداخت خسارت نقض تعهدات قراردادی در حقوق انگلستان و طرح آن در حقوق ایران». *دوفصلنامه علمی - پژوهشی دانش حقوق مدنی*، دوره ۲، شماره ۲، ص ۲۷-۳۹.
- خورسندیان، محمدعلی و محمدی بصیر، فرهاد (۱۳۹۶). «الزام به اجرای عین تعهدات قراردادی در حقوق ایران در مقایسه با اسناد نوین حقوق خصوصی». *دوفصلنامه دیدگاه‌های حقوق قضایی*، شماره ۷۹ و ۸۰، ص ۶۷-۹۶.
- دهقانی، ایمان، محمدرضا فلاح و یوسف جمشیدی (۱۳۹۳). «انقلاب ید امانی به ید ضمانتی». *فصلنامه پژوهش‌های فقه و حقوق اسلامی*، دوره ۱۰، شماره ۳۵، ص ۴۵-۶۰.

- دینانی، عبدالرسول و معصومه براهیم باستانی (۱۳۹۶). «مسئولیت مدنی ناشی از صدمات بدنی در حقوق ایران و انگلیس». *تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین‌الملل*، سال دهم، شماره ۳۶، ص ۱۳۷-۱۷۲.
- سلطانی نژاد، هدایت‌اله (۱۳۹۵). «بررسی تطبیقی ضابطه تشخیص خسارت غیرمستقیم قراردادی». *مجله مطالعات حقوقی دانشگاه شیراز*، دوره ۸، شماره ۳، ص ۵۱-۶۵.
- شهیدی، مهدی (۱۳۸۶). *حقوق مدنی*، جلد سوم: آثار قراردادها و تعهدات. تهران: انتشارات مجد، چاپ سوم.
- صفایی، حسین، عادل، مرتضی، کاظمی، محمود و میرزا نژاد، اکبر (۱۳۸۷). *حقوق بیع بین‌الملل: بررسی کنوانسیون بیع بین‌المللی ۱۹۸۰ و مقایسه آن با مقررات بیع در حقوق ایران، فرانسه، انگلیس و ایالات متحده آمریکا*. تهران: انتشارات دانشگاه تهران
- صفایی، حسین و رحیمی، حبیب‌الله (۱۳۹۷). *مسئولیت مدنی (الزامات خارج از قرارداد)*، چاپ یازدهم، تهران: انتشارات سمت.
- طهماسبی، علی (۱۳۹۷). «مطالعه تطبیقی الزام به ایفای عین تعهد و فسخ قرارداد در حقوق ایران و آلمان». *پژوهش‌های حقوق تطبیقی*، دوره ۲۲، شماره ۱، ص ۲۷-۴۹.
- کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۷). *قواعد عمومی قراردادها*، جلد چهارم: اجرای قرارداد. شرکت سهامی انتشار، چاپ پنجم.
- کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۹). *الزام‌های خارج از قرارداد، مسئولیت مدنی*، جلد ۱: قواعد عمومی. نشر دانشگاه تهران، چاپ نهم.
- کاظمی، محمود (۱۳۸۰). «نظریه ازدست‌دادن فرصت در مسئولیت مدنی». *مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی*، دوره ۵۲، شماره ۸۱۳، ص ۱۸۵-۲۲۷.
- نصیری، مصطفی (۱۳۸۷). «نقش تقصیر در مسئولیت قراردادی». *مجله دادرسی*، شماره ۷۱، ص ۱۰-۳.
- نقی‌زاده بافقی، پیام (۱۳۹۰). «قوة قاهره و تأثیر آن بر مسئولیت، تعهد و قرارداد». *تعالی حقوق*، سال سوم، شماره ۱۱، ص ۲۷-۴۴.
- نیکبخت، حمیدرضا (۱۳۷۵). «آثار قوة قاهره و انتفای قرارداد». *مجله حقوقی بین‌المللی*، دوره ۱۵، شماره ۲۱، ص ۹۵-۱۲۴.

Aksoy, H. C. (2016). *Impossibility in modern private law*. Springer International Pu.

- Bejesky, R. (2002). "The Evolution in and International Convergence of the Doctrine of Specific Performance in Three Types of States". *Ind. Int'l & Comp. L. Rev.*, 13, 353.
- Berger, K. P. (2001). "Harmonisation of European Contract law the Influence of Comparative law". *The International and Comparative Law Quarterly*, 50(4), 877-900.
- Fauvarque-Cosson, B., & Mazeaud, D. (2009). *European contract law: materials for a common frame of reference: terminology, guiding principles, model rules*. Walter de Gruyter.
- Fuller, L. L., & Perdue, W. R. (1936). "The reliance interest in contract damages: 1". *The Yale Law Journal*, 46(1), 52-96.
- Gotanda, J. Y. (2006). Damages in Lieu of Performance because of Breach of Contract. *Public Policy Research Paper*, (2006-8).
- Jansen, C. (2016). Accidental Harm Under (Roman) Civil Law. In the *Challenge of Chance* (pp. 233-247). Springer, Cham.
- Lando, O., & Beale, H. G. (Eds.). (2000). *Principles of European contract law: Parts I and II*. Kluwer Law International BV.
- Mak, V. (2009). *Performance-oriented remedies in European sale of goods law*. Bloomsbury Publishing.
- Markesinis, B. S., Unberath, H., & Johnston, A. C. (2006). *The German Law of Contract: a comparative treatise*. Bloomsbury Publishing.
- Oliveira, N. M. P. (2005). "The German Act to Modernize the Law of Obligations as a Model for the Europeanization of Contract Law? The New Rules Regarding Impossibility of Performance from the Perspective of a Portuguese Lawyer". *Comparative Law*, 129, 135.
- Pieck, M. (1996). "A Study of the Significant Aspects of German Contract Law". *Ann. Surv. Int'l & Comp. L.*, 3, 111.
- Reimann, M., & Zekoll, J. (Eds.). (2005). *Introduction to German law* (Vol. 11). Kluwer Law International.

- Ridder, P., & Weller, M. P. (2014). Unforeseen circumstances, hardship, impossibility and force majeure under German contract law. *Eur. Rev. Private L.*, 22, 371.
- Samuel, G. (1999). *Sourcebook on obligations and legal remedies*. Routledge.
- Schneider, E. C. (1995). "Consequential damages in the international sale of goods: Analysis of two decisions". *U. Pa. J. Int'l Bus. L.*, 16, 615-668.
- Treitel, G. H. (1976). *Remedies for breach of contract: courses of action open to a party aggrieved*. JCB Mohr; Mouton.
- Von Bar, C., Drobnig, U., & Alpa, G. (2004). *The interaction of contract law and tort and property law in Europe: a comparative study*. sellier. european law publ.
- Wagner, T. (2014). Limitations of Damages for Breach of Contract in German and Scots Law-A Comparative Law Study in View of a Possible European Unification of Law. *Hanse L. Rev.*, 10, 73.
- Zekoll, J., & Wagner, G. (Eds.). (2018). *Introduction to German law*. Kluwer Law International BV.
- Zimmermann, R. (2002). *Breach of contract and remedies under the new German law of obligations*. Sapeinza, Rome.

Damages for Breach of Contract in German Legal System with a review on Iranian Law

Mina Hosseini¹

Abstract

Remedies for breach of contractual obligations are among the most critical areas of contract law in every legal system. In German contract law, the right to receive specific performance is the first obligation of the debtor. If a debtor fails to do this obligation, the creditor has the right to claim compensation for the loss. Reviewing the conditions for a claim for damages shows that the notion of fault is still essential in the new German Civil Code. Causation and the predictability of loss, are some other notable rules for a claim for damages. The possibility of a claim for different contractual damages categorized by nature in this study includes damage to property, personal injury, consequential damages, expectation interests, reliance interests, the loss of opportunity, and the moral damages. The classification of Damages by cause includes Damages in lieu of performance, damages for delay in performance, and the simple damages that have great importance in the new German Civil Code. In this article, the claim for contractual damages and different types of damages also has been taking into account from the German legal precedent viewpoint. Since the use of legislative and judicial experience of the German legal system can identify gaps in the Iranian contract law, in various sections of the article, the comparison of these two legal systems has been considered in an analytical-descriptive manner.

Keywords: Contractual damages, breach of contract, German Law, Iran Law

1. Assistant Professor, Law Department, University of Science and Culture, Tehran, Iran; mina.hosseini@usc.ac.ir